

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناھید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۲۰ می ۲۰۱۷

تنظیم و ویرایش: AA-AA

دریای غم

زمانی، که به دنبال اصلی ترین جوهر در بازار جعلی عشقی رفت، صدفهای چشمانم
گرانیهاترین مرواریدها را در دل دریای غم رها نمود.

ابتدای کتاب ذهن

به سرزمینی می روم، که چشمانت را در ابتدای کتاب ذهنم مهر زد و قبل از این، که زهر
تلخ دوریت را بخورم، قبرگام را در دورترین وادی قلبت نشان گذاشت.

خاکستر

از گذر گردبادهای تند خیالها گذشتم و کنار درخت تنومند، تکیه بر ساقه کهن خاطره ها
دادم. آسمان هنوز سیاه بود و دل من سرد و غمین. حرکت گامهای بزرگ و ظلمانی ابرها
خراش سوزناک دلم را دردناکتر می ساخت. می خواستم بگریم، فریاد بزنم و حق حق
آوازم را در وادی بی دادرسی دل چیره سازم، اما صاعقه عشق تو چون خنجر آتش، به
شاخ و برگ بته هستیم پیچید و من بار دگر خاکستری را به دست باد، سرگردان و گم
کرده راه، یافتم.

(ناھید "غزل" غنی زاده)